شهرآرا
اشنبه
۱۸ تیر ۱۴۰۲
۲۰ ذی‌الحجه ۱۴۴۴
شماره ۳۹۸۳
SHAHRARANEWS.IR

آتش به سوله کاغذها افتاد



ابوعطا| جمعه شب با خروج دود ناگهانی از یک سوله بسته در بزرگراه پیامبراعظم(ص) بلافاصله رهگذران موضوع را به آتش‌نشانی اعلام کردند و امدادگران برای مهار یکی از بزرگ‌ترین حریق‌های این هفته به تکاپو افتادند.
با حضور گروه‌های عملیاتی آتش‌نشانی و مشخص شدن وسعت حادثه، ۱۰۰ آتش‌نشان و نجاتگر در محل حاضر شدند. بررسی‌های اولیه نشان داد که این سوله هزارمتری محل نگهداری کاغذ دیواری بوده است که به دلایلی نامعلوم دستخوش آتش شده است.
عملیات گسترده‌ای برای مهار و خاموشی آتش آغاز شد. حساسیت این حادثه به حدی بود که بلافاصله ستاد فرماندهی بیش از چهل دستگاه خودرو سبک و سنگین اطفای حریق، امداد و نجات، لودر و خودروهای ویژه نردبان و تجهیزات تخصصی را به محل حادثه اعزام کرد.
آتش در حال سرایت به سوله مجاور بود که محل نگهداری مقدار بیشتری کاغذ دیواری و دستگاه‌های خط تولید آن بود. آتش‌نشانان با سرعت ضمن محاصره آتش در عملیاتی نفس‌گیر و طاقت‌فرسا، حریق را مهار و از سرایت آتش به سایر قسمت‌ها جلوگیری کردند.
هرچند خوشبختانه در این آتش‌سوزی به کسی آسیبی نرسید و به گفته شاهدان، این کارخانه خسارت هنگفتی دید، اما این دومین حادثه بزرگ در شرکت‌های تولیدی و کارخانجات مشهد است که در چند وقت اخیر رخ داده است. حادثه قبلی که بسیار شدیدتر بود در کارخانه الکترواستیل، کمی دورتر از محل این کارخانه رخ داد و با وجود گذشت زمان زیاد، هنوز علت دقیق این حادثه اعلام نشده است تا تجربه‌ای برای سایر کارخانه‌دارها باشد و صنعت استان از یک سوراخ بارها و بارها گزیده نشود.

سوگ و شادی، ۲ نما در یک قاب

محمدجواد ابوعطا| در روزهای گذشته خانواده زنی سی‌ویک ساله در پی مرگ او به سوگ نشستند، اما شش خانواده که عزیزانشان پس از گذراندن دریای درد به ساحل سلامت رسیده بودند، غریو شادی سر دادند تا سوگ و شادی در یک قاب کنار هم بنشیند. خدیجه عباسی، بیمار سی‌ویک ساله‌ای بود که در پی یک حادثه بر بستر احتضار افتاده بود. او روزهای زیادی در بیمارستان شهید هاشمی‌نژاد مشهد برای زنده ماندن تلاش کرد، اما آخرین آزمایش‌های پزشکی نشان داد که این زن به کما رفته، دچار مرگ مغزی شده است و هرچند اندامش کار می‌کنند، اما مغزش برای همیشه خاموش شده است. پزشکان موضوع را با خانواده‌اش مطرح کردند و اطمینان دادند که بیهوشی کما با بیهوشی مرگ مغزی دو گونه هستند و تاکنون هیچ بیمار مرگ مغزی به زندگی بازنگشته است. خانواده این بیمار وقتی متوجه شدند که به زودی قلب خدیجه برای همیشه از پمپاژ زندگی بازمی‌ماند و فرصت ایثار و گذشت از دست می‌رود، در تصمیمی دشوار با پیوند عضو موافقت کردند و این گونه شد که هزار و سیصد و سی و پنجمین عمل اهدای عضو از اهداکننده مرگ مغزی در مشهد به سرانجام رسید. در پی این عمل خداپسندانه در بیمارستان منتصریه مشهد، کلیه‌های زنده یاد خدیجه عباسی به یک خانم پنجاه و هشت ساله ساکن کاشمر و یک آقای سی و هشت ساله ساکن مشهد که سال‌ها از نارسایی کلیه رنج می‌بردند در بیمارستان منتصریه پیوند شد. کبد این مرحوم نیز به زنی سی و هشت ساله ساکن کلات پیوند شد و جان دوباره‌ای به او داد. همچنین قرنیه‌های زنده‌یاد خدیجه عباسی برای پیوند به بانک چشم دانشگاه علوم پزشکی مشهد و قسمتی از پوست او برای پیوند به بیماران بخش سوختگی بیمارستان امام رضا(ع) مشهد ارسال شد.

یک افچنگی در عمق چاه جان باخت

علت سقوط مشخص نبود و اهالی روستا موضوع را اعلام کرده بودند، آتش‌نشانان سبزواری زمانی خود را به محل حادثه رساندند که ساعتی از وقوع حادثه گذشته بود و احتمال نجات فرد سقوط کرده نیز ضعیف بود. مسئول روابط عمومی آتش‌نشانی سبزوار درباره جزئیات این حادثه به ایرنا گفت: این حادثه عصر روز جمعه در روستای «اَفچَنگ» از توابع بخش مرکزی سبزوار رخ داد که پس از اعلام به مرکز فرماندهی آتش‌نشانی سبزوار، گروه نجات ایستگاه ۲ به محل حادثه اعزام شد. محمد همتی تصریح کرد: آتش‌نشانان با استفاده از ابزار تخصصی و سه‌پایه نجات، خود را به عمق ۲۵ متری چاه رسانده و شخص سقوط کرده را از چاه خارج کردند. معاینات اولیه نشان از جان باختن این فرد داشت.

قاتل ۴ عضو یک خانواده کشته شد

ایلنا| فردی که سال گذشته چهار عضو یک خانواده را در فردیس از توابع استان البرز به قتل رسانده بود، در عملیات ویژه پلیس کشته شد. این قاتل، سال گذشته اقدام به قتل فرزند، همسر سابق خود و پدر و مادر همسر سابقش با استفاده از سلاح گرم کرده بود. کارآگاهان پلیس آگاهی استان البرز موفق به شناسایی مخفیگاه قاتل فراری در استان کرمانشاه شدند و با کسب نیابت قضایی به این استان اعزام شدند. متهم پس از اطلاع از حضور نیروهای پلیس در محل اختفایش، اقدام به تیراندازی به سمت مأموران کرد و هشدارهای مکرر پلیس نیز تأثیرگذار نبود تا جایی که مأموران به دلیل مقاومت متهم، با رعایت قانون به کارگیری سلاح به سمتش تیراندازی کردند. در این درگیری مسلحانه قاتل فراری کشته شد ولی به هیچ کدام از نیروهای پلیس آسیبی نرسید.

واکاوی پرونده‌های جنایی در ۳ ماه نخست در مشهد

۲۲ آدم‌کُشی در بهار!



لیلا کوچک‌زاده

گزارش

اگر قرار باشد ۲۲ قتلی را که در فصل بهار توسط رسانه‌های مشهدی منتشر شده است، بازخوانی کنیم با قتل‌های پیچیده‌ای که داستان‌های عجیب دارند، روبه‌رو نخواهیم شد. مانند قتل نوجوانی که شبانه از منزل برای خرید تنباکو به فروشگاه محلشان می‌رود اما بر اثر یک درگیری بی‌ارزش، جانش را از دست می‌دهد و دیگر هیچ‌گاه به خانه برنمی‌گردد و خانواده‌اش را داغدار می‌کند. ما در این گزارش به بررسی قتل‌هایی پرداخته‌ایم که در سه ماه ابتدایی سال ۱۴۰۲، در مشهد رخ داده و گزارش‌های آن در دو رسانه شهرآرا و خراسان منتشر شده است. البته این آمار به منزله تمام پرونده‌های جنایی تشکیل‌شده نود روز نخست امسال در دادسرای مشهد نیست. نکته درخور توجه اینجاست که در بیشتر این ۲۲ قتل که هجده مرد و چهار زن، قربانیانش هستند، خبری از قاتلان اجیرشده یا جنایت‌های سریالی نیست؛ یعنی قاتلانی که برای جنایت برنامه ریخته باشند. بلکه بیشتر با آدم‌هایی عصبانی روبه‌رو هستیم که در هنگام نزاع و درگیری به رفتارهای هیجانی و احساسی دست می‌زنند و ناخواسته درگیر جنایت‌های خشن می‌شوند. آن‌ها که به‌جای حل مشکل از راه قانونی، خود صحنه را به خون کشیده‌اند.

جوان‌ترین مقتول فصل بهار

نخستین قتل گزارش‌شده در رسانه‌های مشهدی، در روز هفتم فروردین سال ۱۴۰۲ اتفاق افتاده است. جنایت فجیعی که نگهبان سی‌وپنج ساله یک ساختمان نیمه‌کاره در خیابان شهید بهشتی، قربانی آن می‌شود. قتلی با انگیزه انتقام‌جویی مالی، منجر به بریدن گلوی این تبعه خارجی می‌شود. در بیست‌وهشتم همین ماه هم تبعه دیگری که فقط هجده سال دارد، در پارک شهرستانی با ضربات چاقو از پای در می‌آید. این نوجوان وقتی نگهبان پیر این پارک را با به‌هم‌ریختن نظم، مورد آزار قرار می‌دهد، فکرش را نمی‌کند که با ضربه‌های چاقوی فرزند نوجوان نگهبان به سینه‌اش روبه‌رو شود و جانش را از دست بدهد.
در همین روز اما قتل دیگری در شهرک طرق اتفاق می‌افتد تا جوان‌ترین مقتول فصل بهار نام بگیرد و اینجا هم پای نزاع در کار است. کل کل و درگیری، جوان بیست‌ساله را با چاقو در خیابان به جان نوجوان هفده‌ساله می‌اندازد و خون به پا می‌شود. قاتل در جلسات بازپرسی می‌گوید که مواد مصرف کرده و دچار جنون آنی شده است. مسن‌ترین مقتول این نود روز، پیرزنی ساکن محدوده سرافرازان است که در خانه‌اش با ضربات چاقو کشته و طلاهایش سرقت می‌شود. درحالی که فقط دو النگو در دستانش باقی می‌ماند که احتمالا قاتل یا قاتلان نتوانسته‌اند آن‌ها را خارج کنند.

بیشترین قتل‌ها با ضربه چاقو

بیشتر قتل‌های فصل بهار اما با ضربه چاقو به سر و گردن رخ داده است. یعنی دوازده قتل از ۲۲ قتل. در این بین، سه زن با ضربه چاقو کشته شده‌اند. خشن‌ترین نوع این قتل‌ها را باید هفتم خرداد ماه و در خانه‌ای در خیابان بهمن یافت که اتفاقا مقتولش یک زن است. قتلی که در پی مخفی کاری شوهر از ازدواج مجددش رخ می‌دهد. یک ماه از این موضوع می‌گذرد که سر سفره غذا، زن و شوهر به جان هم می‌افتند و دوباره مرد، نمی‌پذیرد که پای زنی دیگر در میان است. همین می‌شود که قابلمه غذا از سوی زن به سمت مرد پرتاب می‌شود. مرد پنجاه و سه ساله که از این حرکت به‌شدت برافروخته می‌شود، چاقوی بزرگی را از آشپزخانه برمی‌دارد و به‌صورت عمودی بر گردن همسرش وارد می‌کند. طوری که چاقو ۱۰ سانتی‌متر در گردن زن فرومی‌رود و او را از پای می‌اندازد!

خرمالوی قاتل و نزاع‌های دنباله‌دار

پس از قتل با چاقو، ضربات قمه تمام‌کننده کار مقتولان در مشهد بوده است. سه قتل بر اثر ضربه‌های ناشی از این آلت قتاله خشن، گزارش شده است که شاید شدیدترین آن را باید مربوط به قاتلی معروف به «خرمالو» دانست که در اردیبهشت ماه، دو جوان بیست‌وچهار و بیست‌وپنج ساله را در گاراژ محل کار خودش در خیابان نخریسی از پا درآورد. آن‌هم به‌دلیل نزاعی ادامه‌دار و قدیمی که گویی راهی برای حلش نبوده است. ضارب بیست‌وهفت ساله سپس به سمت جنگل‌های محدوده سیدی می‌گریزد اما خیلی زود خودش را به پلیس معرفی می‌کند. متهم که چندین بار سابقه خودکشی داشته است، در گفت‌وگویی درباره انگیزه رفتار خشونت‌آمیزش می‌گوید که از نوجوانی رفتارهای شرورانه داشته و کسی به او توجه نمی‌کرده است و بزرگ‌تری برای راهنمایی نداشته است. همچنین گفته بود که اگر کتک بخورید، بهتر از قدرت‌نمایی است. ضارب خشن که به اعدام محکوم شده بود اما آرزویی نرم و تأثربرانگیز دارد. اینکه فقط چند دقیقه مادرش را ببیند و با او حرف بزند. چون به‌خوبی حال مادرش را درک می‌کند.

۲ جنایت با کلت

با پایان رسیدن ماه مبارک رمضان در اولین روزهای اردیبهشت‌ماه، گویی جرائم منجر به قتل در مشهد هم شدت بیشتری می‌گیرد. به‌طوری که نزدیک به نیمی از قتل‌ها در این ماه اتفاق می‌افتد. تنها قتل ناموسی فصل بهار هم یک روز پس از عید فطر در روز چهارم اردیبهشت‌ماه رخ می‌دهد. درحالی که آلت قتاله هم با دیگر قتل‌ها متفاوت است. جنایت در قله زو با کلت. قاتل، جسد شوهرخواهرش را با پژو ۲۰۶ به کلانتری می‌برد و اعلام می‌کند که پدرش این فرد را کشته است. اما ماجرا چیز دیگری است و پای یک رابطه نامشروع در بین اعضای این خانواده در میان است که با قتل بر فراز قله زو و شلیک گلوله به سر یکی از افراد درگیر رابطه، پایانی تلخ می‌یابد.

خشن‌ترین قتل بهار

احتمالا خشن‌ترین قتل روزهای بهار را باید در گلشهر مشهد و مربوط به روزهای اول خردادماه دانست. وقتی مادری در خانه را به روی پسر بیست‌ودوساله‌اش باز می‌کند اما با ۴۴ ضربه چاقو بر بدنش روبه‌رو می‌شود! در روان‌شناسی، برای فردی که به‌طور خشن اقدام به قتل می‌کند، اصطلاح چندباره کشتن را استفاده می‌کنند، در این شرایط قاتل به‌خاطر ناکامی‌های پی‌درپی دچار خشم می‌شود و به‌نوعی این خشونت را به‌صورت قتل خشن بروز می‌دهد. در گزارش‌ها هم بیان شده است که این پسر که در سوئیتی مستقل زندگی می‌کرده است، به برادران معلول دیگرش که با مادر و پدر در یک خانه زندگی می‌کردند، حسادت می‌کرده و بارها به آن‌ها آسیب رسانده است، اما بالأخره دچار خشم آنی می‌شود و مادر بخت برگشته، قربانی خشونت و حس انتقام‌جویی ریشه‌دار فرزندش می‌شود.

شلیک گلوله از تیبا

قتل بر اثر نزاع و درگیری در خیابان و پارک‌ها با هشت‌مورد، سرآمد دلیل قتل‌های نود روز فصل بهار در مشهد در رسانه‌ها گزارش شده است. پس از آن قتل‌هایی به‌دلیل اختلافات خانوادگی و انگیزه‌های مالی، رتبه‌های دیگر را از آن خود کرده است. یکی از این نزاع‌های بی‌مورد، در پارک امت مشهد و شبانگاه سیزدهم فروردین ماه اتفاق می‌افتد. جوانی به نام «سجاد» به همراه یکی از دوستانش وارد پارک می‌شود و دود غلیظ سیگارش با نگاه‌های جوان رهگذری تلاقی می‌کند. اما آن جوان، این نگاه را برنمی‌تابد و کار بالا می‌گیرد و به کل کل و مشاجره می‌کشد. بعد جملات توهین‌آمیز است که بین آن‌ها شدت می‌گیرد و درنهایت این قمه است که کار جوان سیگاری را تمام می‌کند! اما یکی از غریب‌ترین قتل‌ها بر اثر نزاع و درگیری در سیزدهمین روز اردیبهشت‌ماه در منطقه خواجه‌ربیع اتفاق می‌افتد. وقتی تیباسوار پس از یک مشاجره لفظی کوچک در خیابان، به روی جوان موتورسوار با نام «سعید» اسلحه شکاری می‌کشد و ناباورانه با شلیک گلوله ساچمه‌ای به سرش او را به قتل می‌رساند. این جوان که از این حادثه دچار مرگ مغزی می‌شود با موافقت خانواده‌اش، اعضای بدنش اهدا می‌شود تا به افراد دیگر زندگی ببخشد. شاید تنها پایان خوش قتل‌های بهار مشهد.

حرف آخر

این قتل‌ها اولین و آخرین شهرمان نیست و ممکن است هر کدام از ما ناخواسته درگیرش شویم. بنابراین مهم‌ترین چیز، تفکر حل مسئله است. چون وقتی شهروندان درگیر نابرابری‌های اجتماعی، اقتصادی و حقوقی به توده‌های ناتوان از تفکر تبدیل شوند، نمی‌توان انتظار حرکت به‌سمت تفکر حل مسئله و ارتباط بدون خشونت را داشت که اگر این گونه باشد، خودشان می‌توانند بسیاری از مسائل را حل کنند و خیلی از اوقات حتی به دخالت قانون هم نیازی نیست و بی‌شک آمار قتل و خشونت کاهش خواهد یافت.



جدول ۳۷۸۵

